

"**رؤلور**" در تالار استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر

فرهنگی و هنری

صدیقه کریمی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگر

به قول مرحوم صلاحی : «هر اصطلاحی را با ضد آن بهتر می‌توان شناخت و تعریف کرد. در ادب کهن، برای مضاحک دو اصطلاح بوده است: هجو و هزل. هجو، ضد مدح است و هزل ضد جد.

به عبارت دیگر، هدف هجو انتقاد است و هدف هزل، شوخی. با این توضیح که آن انتقاد و این شوخی بیشتر جنبه شخصی و خصوصی داشته است.

وقتی هجو از حالت شخصی در می‌آید و جنبه عام به خود می‌گیرد، تبدیل به طنز می‌شود.وقتی هم هزل از دایره محدود و خصوصی اش در می‌آید، تبدیل به فکاهه می‌شود. در ادب کهن به هزل معتدل، «مطایبه» می‌گفتند که خیلی نزدیک به فکاهه امروز است.

برای این که خواننده گیج نشود، خیلی خلاصه عرض می‌کنم که طنز، شکل تکامل یافته هجو است و فکاهه، شکل تکامل یافته هزل. آنچه این دو را به هم پیوند می‌دهد، عنصر خنده است. با این تفاوت که خنده طنز به خاطر انتقاد است و خنده فکاهه به خاطر شوخی ».

طنز فکاهی به عنوان یکی از جدی‌ترین موفله‌های شعر و نثر امروز مورد توجه است در این میان شاعران زیادی با اهداف متفاوتی پا در این مسیر گذاشته‌اند و به فعالیت ادبی پرداخته انداز میان این شاعران سید غلامرضا روحانی یکی از شاعران برجسته فکاهی بوده است. نویسندگان فکاهی از قدیم‌الایام در نزد ملل و اقوام محترم و معزز بوده‌اند و حتی یکی از جنبه‌های عالی شکسپیر نویسنده انگلیسی را همانا جنبه فکاهی دانسته‌اند و حقیقتاً نیز در مقابل بعضی از سخنان. انسان بین خنده و گریه مردد می‌ماند این کیفیت از مختصات ممتاز فکاهیات و ظرافت است. واقعا جای بسی



سومین دوره جشنواره موسیقی «ایرج بسطامی» در حالی برگزار می‌شود که حتی قرار است به گرافیسټ جلد آلبوم نیز جایزه اهدا شود. نشست خبری سومین دوره جشنواره موسیقی ایرج بسطامی در خانه هنرمندان ایران برگزار شد که روند و خلاصه برنامه‌های جشنواره به این صورت ذکر شد: هدف اصلی جشنواره نگاه به کنسرت و موسیقی نیست بلکه بیشتر قرار است به استعدادهایی پرداخته شود.

این جشنواره در دو بخش آلبوم برتر و خوانندگان آواز ایرانی

«رؤلور» چهارمین نمایش پوریا کاکاوند به عنوان کارگردان است. این اثر نمایشی را که کاکاوند خود نگاشته است از ۸ شهریور ماه ساعت ۱۹:۳۰ با بازی علی باقری و فرید فرهنگ

در سالن سمندریان تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می‌رود. لیست عوامل نمایش «رولور» عبارت است از: مجری طرح: محمد قدس، طرح نور: صبا کسمایی، طراح صدا: عرفان ابراهیمی، طراح لباس: سمانه احمدی‌مطلق، دستیار کارگردان: امیر نجفی، مدیر تولید: هادی شیخ‌الاسلامی، طراح گرافیک: مهدی دوابی، عکاس: ایبک قشقایی و شیوا ابراهیمی، مشاور رسانه‌ای و مدیر روابط‌عمومی: سام بهشتی، مدیر تبلیغات مجازی: امیر قالیچگی و تهیه کننده: گروه «سورخ تو دیوار».
.علاقه‌مندان می‌توانند بلیت‌های این نمایش را که تا ۶ مهر ماه ساعت ۱۹:۳۰ در تالار استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر به روی صحنه است را از سایت تیوال تهیه کنند.

## نگاهی بر فکاهی و زندگی و آثار رئیس طایفه فکاهی‌سرایان

مسرت و خوشبختی است که ایرانیان که عموماً خداوندان بی‌نظیر بدله و صراخان خبیر لطیفه هستند کم‌کم قدر و قیمت فکاهیات واقعی را فهمیده و دانسته‌اند که در گلشن ادبیات که بهترین‌مایه حسن و جمال آن همانا تنوع است در مقابل الهام غم‌انگیز که آن نیزسر در جای خود جای و مقامی دارد نغمه‌های طرب آمیز هم شرط اعظم کمال باشد. از میان شاعران فکاهیات سید غلامرضا روحانی را انتخاب کرده‌ام.

**سید غلامرضا روحانی تفرشی، از موفق‌ترین فکاهی‌سرایان معاصر**

سید غلامرضا روحانی تفرشی، متخلص به «روحانی»، «اجنه»، «مجنه»، پس از «بولاقاسم حالت» از موفق‌ترین فکاهی‌سرایان معاصر است که ۲۱ اردیبهشت ماه سال ۱۲۷۶ شمسی در شهر مشهد متولد شد. او فرزند میرزا سید شکرالله خان تفرشی، متخلص به «آزادی» و از نوادگان میرزا سید محمدعلی تفرشی، متخلص به «علی» که از منشیان و مستوفیان دوره قاجار و اهل ادب و عرفان بود، است. وی از سن دوازدهسالگی به آفرینش اشعار فکاهی و جدی پرداخت.

اما آثار فکاهی او بیشتر مورد توجه قرار گرفت. وی آثار شعری فراوانی درانواع صنایع شعری سروده است.

آثار سید غلامرضا روحانی در بسیاری از مجله‌ها و نشریه‌های ادبی و فکاهی آمده است.

خود او با نشریه‌هایی چون گل زرد، امید، نسیم شمال، تهران مصور، ناهید، توفیق و مانند آن‌ها، همکاری داشته است.

اشعار و مقالات روحانی از لحاظ کمیت، فراوان و از نظر کیفیت، بسیار برجسته و ارزشمند می‌باشد.

کتاب «طلیعه فکاهیات روحانی» حدود یک هزار بیت در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی و کتاب «کلیات اشعار و

فکاهیات روحانی (اجته)» حدود هفت‌هزار بیت در سال ۱۳۴۳ با مقدمه‌ای از استاد سید محمدعلی جمال‌زاده چاپ و منتشر شده است. روحانی در شهریور ۱۳۶۴ شمسی در تهران درگذشت.
**بررسی آثار**
سال ۱۳۱۳ مجموعه‌ای از شعرهایش با نام «طلیعه فکاهیات روحانی» با مقدمه سید محمد علی جمال‌زاده چاپ شد که در سال ۱۳۱۴ تجدید چاپ ولی مجدداً پس از مدت کوتاهی در بازار نایاب گردید. بعد از آن مجموعه کامل‌تری از اشعار و فکاهیات او در سال ۱۳۴۳ تحت عنوان «کلیات اشعار و فکاهیات روحانی، اجنه» در انتشارات سنائی به چاپ رسید.

نظیر این‌گونه اشعار فکاهی در دوره جدید ادبیات فارسی خیلی کم و بدین مایه و معیار دیده نشده‌بود. به مرور ایام اشعار سید غلامرضا روحانی مصدر الهام و سرمشق گران‌بهایی برای جوانان با ذوق دیگر گردید بطوریکه امروز ایران دارای یک مکتب «فکاهی» منظوم است روحانی به زبان مردم کوچه و بازار می‌سرود و تکیه کلام‌ها، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های معمول زندگی روزمره را به کار می‌برد در عین حال، از رکیک گویی نیز پرهیز داشت. آثار او، از جهت آشنایی با زبان مردم دوران خودش و فرهنگ لغات عامیانه، بسیار قابل توجه است و آینه تمام‌نمای گفتار، کسرار و پندار توده مردم در زمان خودش است. او به بدیع، عروض و قافیه احاطه کامل داشت و آن‌ها را به‌درستی در اشعارش به کار می‌گرفت، با شیوه‌ای که به سادگی و روانی آثارش نیز لطمه‌ای وارد نیابد.

دو عنصری که در شعر او بیش از همه خوانندمای می‌کند، طنز او و تصویرسازی او است. طنز او شیرین است و به دل می‌نشیند و با خواندنش تبسم بر لب‌ها می‌آورد. زبانش، لطیف است و عفت کلام دارد و تصاویرش چون

### جشنواره موسیقی بسطامی

دارند و امیدواریم کامیوز روشن‌روان نیز به آن‌ها ملحق شود. در این جشنواره دلبالبان در زمان محدود ۱۴ دقیقه بخش آوازی و تصنیفی مرتبط با دستگاه آواز خوانده شده را ارائه می‌دهند. آواز در دو بخش ذاتی و اکتسابی فرارفته می‌شود. در این جشنواره بخش ذاتی نادیده گرفته نمی‌شود، از سویی قدرت صدا، نوآوری، تأثیر بر مخاطب، شناخت ردیف آوازی و استفاده درست از آن از جمله مواردی است که هیئت داوران برای انتخاب فرد برگزیده به آن توجه می‌کنند. آثار ارائه شده به دبیرخانه این جشنواره طی سه مرحله داورمی می‌شوند. این رویداد در دو رده سنی زیر ۳۰ سال و بالای ۳۰ سال برگزار می‌شود.استادان داورمی از مکتبه‌های مختلفی هستند.

در بخش آلبوم موسیقی به خواننده، آهنگ‌ساز، تنظیم‌کننده،

موجی آرام در دریای خیالات نقش می‌بندد. سید غلامرضا روحانی پسا زبان طنز به بیسان اوضاع اجتماعی دوران خود می‌پردازد و از دردهایی که مردم ایران به آن مبتلا هستند از افیون، دخان، خرافات، متجددین دروغین، بی‌دانشی، درد زنان بی‌یاور، جمل و بی‌سوادی، جنگ، و تقلید از سینات عالم غرب سخن می‌گوید و نجات ایران را در تحصیل علم و دانش، دوری از سستی و تنبلی و ایمان واقعی می‌داند.

**تاثیر اشعار روحانی بر اجتماع**

مردم امروزه بسیاری از اشعار وی را به عنوان ضرب‌المثل به‌کار می‌برند بدون آنکه بدانند سراینده آن‌ها که بوده است. از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود:
ماشین مشتی ممدلی – نه بوق داره نه صدلی
حلوای تن تنائی – تا نخوری ندائی
افاده‌ها طبق طبق – سگ‌ها به دورش وق و وق
سپلشت آید و زن زاید و مهمان برسد
و همین بس که استاد محمدعلی جمال‌زاده او را رئیس طایفه فکاهی‌سرایان می‌نامید.



سید غلامرضا روحانی، شاعر و طنزپرداز ایرانی، در کنار دوستان در یک جشنواره شعر.

شاعر و ترانه‌سرا و گرافیست جلد آلبوم، تکنوار، ناشر، تهیه‌کننده و صدابردار جایزه اهدا می‌کنیم. با وجود اینکه اکنون صدابرداری دیجیتال شده است اما اگر صدردصد به شکل دیجیتال نبود و صدابرداری مناسی انجام شده بود جایزه اهدا می‌شود.
شهبازان تأکید کرد: بیشتر هدف ما جوان‌هایی هستند که زحمت می‌کنند و کار می‌کنند. در این دوره بیشتر آن‌ها جذب موسیقی پاپ می‌شوند که تیشه به ریشه موسیقی ایرانی می‌زند. در نهایت این کار سه خواننده معرفی خواهند شد که من اطمینان می‌دهم صدردصد سه خواننده خوب خواهند بود.همچنین این جشنواره در نظر دارد با حضور افراد برگزیده، آثاری را تولید کند. البته استفاده از این فرصت‌ها بر عهده خود هنرمند است، جشنواره می‌تواند به استعدادهای ناب کمک کند.

### احتمال وداع محمد حیدری با موزه سینما

مدیر امور فرهنگی و هنری معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد مشترک فرماندهی کل قوا، مدیر کل تولید و پشتیبانی معاونت سینمایی، رئیس مرکز گسترش سینمای تجربی و نیمه حرفه‌ای،

رئیس مرکز گسترش آموزش و توسعه نیروی انسانی معاونت سینمایی، مدیرعامل سابق بنیاد سینمایی فارابی بود.



مدیر امور فرهنگی و هنری معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد مشترک فرماندهی کل قوا، مدیر کل تولید و پشتیبانی معاونت سینمایی، رئیس مرکز گسترش آموزش و توسعه نیروی انسانی معاونت سینمایی، مدیرعامل سابق بنیاد سینمایی فارابی بود.

**۸ شهریور در فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود**

### پرفورمنس موسیقی و طراحی در کنسرت «چوبیایی»

کنسرت «چو بیایی» با نوازندگی پیانوی «سپاس صدر نوری» و همراهی «یکتا احمدی‌زاده» نوازنده ویولنسل، چهارشنبه هشتم شهریور ماه ۱۳۹۶ در قالب یک پرفورمنس موسیقی و طراحی در بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران برگزار می‌شود. این کنسرت در سه بخش اجرا خواهد شد. در بخش اول، سپاس صدنوری به اجرای قطعاتی از آثار جدید خود می‌پردازد. در بخش دوم برنامه نیز قطعاتی از ساخته‌های این آهنگساز و نوازنده جوان با همراهی یکتا احمدی‌زاده به صورت دوئت پیانو و ویولنسل ارائه می‌شود. در بخش سوم کنسرت هم پرفورمنسی با عنوان «بداهه‌نوازی، بداهه نقاشی» روی صحنه اجرا می‌شود که بنا به اعلام برگزارکنندگان، جزئیات این قسمت برنامه تا روز کنسرت اعلام نمی‌شود. کنسرت «چو بیایی» ساعات ۲۱ روز هشتم شهریور ماه به همت موسسه فرهنگی هنری «راد نو اندیش» در بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران برگزار می‌شود.



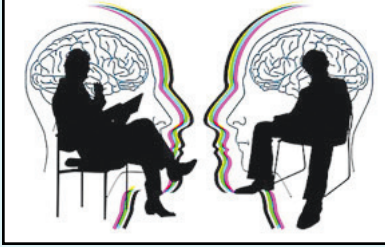
## مستقل

چهارشنبه ۸ شهریور ■ شماره ۲۲۵

### لطفا کلاه خودتان را قاضی کنید



**الهام ریسی‌فرا‌د نیه – روز‌نامنگار**



فوکویاما در یکی از کتاب‌هایش معتقد است:نقد، روشی مهم برای ارزیابی مفاهیم، پدیده‌ها و داده‌های مختلف در تولید و ارائه اندیشه‌هاست. نقد، روش بررسی، در فرایند تحلیل ذهن است که در یک ارتباط دوسویی نگرش نقادانه و اندیشه و رفتار شکل می‌گیرد.

نقد تعاریف متعددی دارد اما کلی‌ترین و ساده‌ترین تعریف نقد گفتن از خوبی‌ها و بدی‌های یک پدیده، اثر، رفتار و… است توامان و در کنار یکدیگر است. با اتکا به همین تعریف نقد می‌توان آن را به دو وجه تقسیم کرد.

نقدی که سازنده و نقد مخرب؛ نقد سازنده به دنبال بهین‌کردن و بهبود است و نقد تخریبی که اساسا هدفش بولد کردن کم و کاستی‌ها است.

چرخ در دنیای مجازی و نوع نوشتار این روزها جای خالی نقد منصفانه را به‌خوبی نشان می‌دهد. نقد قیافه، نوع حرف‌زدن، بدن و… آدم‌های بزرگ تا قومیت‌ها که البته به اشتباه نام نقد بر آن نهاده‌ام و بیشتر تمسخر است باعث می‌شود که جای خالی نقد و منتقد درست حس شود. در فرهنگ ایرانی، نقد را با بدگویی خلط کرده و اشتباه گرفته‌اند. بارها در فضای مجازی مشاهده شده است که برخی ایرانیان وقتی می‌خواهند فردی یا اندیشه‌ای یا اندیشمندی را اصطلاحاً نقد کنند اگر ادب به خرج دهند و فحاشی نکنند، دست کم طرف چند دقیقه، اندیشمندی را سر می‌برند و شخصیتی را پایمال.

در روزگار دور لقب و جایگاه منتقد به هرکسی داده نمی‌شود، رسته‌ای به نام نقد یا نقدنگاری نبود اما کسی منتقد قلمداد می‌شد که در حرفه، هنر یا علم همه فن حریف بود و مطالعه و تحصیلات داشت و برای ساختن نقد می‌کرد نه اینکه مثل این روزها بدون اطلاع از عقبه یک موضوع یا حتی دیدن یک اثر و مذاقه در آن بی‌رحمانه چاقوی تشریح به دست می‌گیریم.

این روزها همه ما منتقدان بالقوهای هستیم و خود را محق می‌دانیم تنها با اتکا به ظاهر امر ریشه را بزینم اما نقد قلمه کردن است و هرس. اصل مهم در شناخت و تعریف منتقد، داشتن آگاهی‌های لازم بر مبنای روش نقد است. اینکه ما تا چه اندازه منتقدیم را باید در رجوع به خودمان بیابیم.

فرهنگ نقد ملزوم به رعایت چند نکته است:

هدف بهبود باشد.

حب و بغض درگیر ماجرای نقد نباشد.

کم و کاستی در کنار نقاط قوت دیده شود.

و در پایان نقد بهتر است پیشنهاداتی برای بهبود ارائه شود.
نقدی که علمی و روشمند باشد و در واقع نقد درست توان جذب مخاطبان بیشتری را دارد و به لحاظ منطقی قابل دفاع خواهد بود. تا نقد غیر روشمند(بدگویی). فرهنگ نقد سازنده در میان ایرانیان بسیار سست و ضعیف به نظر می‌رسد و ناگزانه بر این باور است که در فضای مجازی و بخصوص در میان گروه‌های سیاسی– اجتماعی، قبل از طرح بحث و گفت‌وگو، حیاتی است که فرهنگ نقد علمی آموزش داده و تبلیغ شود.

با ذکر این نکات حال باید کلاه خود را قاضی کنیم که فرهنگ نقد داریم یا خیر.

**کتابخانه‌ای برای زندگی بهتر**

### کتاب آن‌ها به خانه من آمدند

رمان شروع مناسی دارد. زندگی یک نویسنده از

روال عادی خارج می‌شود و در اثر یک اتفاق، تعادلش را از دست می‌دهد.داستان با این عدم تعادل، گسترش می‌یابد.فضای متن و حتی صحنه‌ها از نگاه راوی وهم‌آلود است. در داستان آن‌ها که به خانه من آمدند با یک راوی روبه‌رو هستیم که اتفاقاً هم‌نام نویسنده کتاب است و از قضا و اتفاق روزگار نویسنده کتاب هم فردی است که سالیان زیادی است او را با شعرهایش می‌شناسیم. نویسنده آن‌ها که به خانه من آمدند شدیداً دغدغه انسان تنه‌ای امروزی را دارد. در واقع همان مرد در قفس که یک بار در داستان – جشن تولد – و یک بار هم به شکل مجسمه در مهمانی پایان کتاب مطرح شد، از مهم‌ترین دغدغه‌های نویسنده است. راوی – نویسنده از دروغ و ریا کاری و خرافات و تنه‌های انسان و… به تنگ آمده است. به نظر او انسان امروزی روح و روانش مسخ شده و گاهی فقط یک کالبد از او باقی مانده است. شمس لنگرودی با چنین دستمایه‌ای، رماتی نوشت که رگه‌هایی از رئالیسم، سوررئال و نیز وهم و خیال در آن دیده می‌شود.

نویسنده با ذهن شاعرانه‌اش دست به نوشتن زد. چقدر ذهن نویسنده فعال است و تیزبین. مسائلی را مطرح کرد که ما کمتر توجه می‌کنیم.داستان در ژانر اجتماعی است و درون‌مایه داستان تنه‌های انسان است؛ ولی به این معنی که دست‌هایی در کارند و افراد نامرئی می‌خواهند که انسان تنها باشد و هر کاری صورت می‌گیرد که انسان تنها بماند.

آن‌ها که به خانه من آمدند در واقع گزارشی از تنه‌های راوی با زبان خودش است. در همان صفحه اول با طرح جن زندگی خانواده صفر، ذهن را به سمت محیط خرافی می‌چراند. با اولین ملاقات مرد ناشناس که از کتاب رژه بر خاک پوک گله‌مند است، زمینه ظهور یک کشمشک فراهم می‌گردد و فکر و اندیشه مخاطب را به سوی فضای اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و سانسور و… می‌کشاند که از نکات مثبت راوی در گوشود درد دل‌هایش برای مخاطب است. به همین شکل نیز با آوردن اسامی روشن‌فکران سرشناس، جایگاه فکری و اجتماعی خود را هویدا می‌سازد. با این هم‌دلی و هم سویی، تصویری که با ظهور یک کشمشک قوت گرفته بود، ابعاد تازه‌ای یافته و انتظار و اشتیاق مخاطب را افزایش می‌دهد. از این پس سوءتفاهم، به صورت یک محرک در حرکت بدنی داستان عمیق و عمیق‌تر می‌شود. سپس زبانی نرم و لطیف از توصیف‌ها و تفسیرهایی از احوالات درونی و بیرونی راوی است که در لحظات و ساعات و روزهای بعد، متاثر از تکثیر افرادی مانند مرد ناشناس، به صورت پیام گذاشتن در محیط کار، یا تلفن به خانه و… بر فکر و اندیشه و احساس و اعصاب وی جاری شده و به شکل یک توهم آزر دهنده، زندگی را بر وی تلخ می‌کند. راوی مجرد است و تنها زندگی می‌کند. حوادث اخیر نیز آرام آرام احساس تنه‌های را در وجودش عمیق‌تر می‌سازد که اغلب با تصویری شاعرانه از فضای طبیعت، همدردیف و اثرگذار می‌شود. در مجموع اگر بخواهم تحلیل کلی از داستان ارائه دهم باید بگویم آن‌ها که به خانه من آمدند به لحاظ زبان، فرم، ساختار در قالب کامل یک داستان قرار نمی‌گیرد؛ ولی به دلیل فضای روان‌شناختی که ناظر بر کرشمه‌های درونی انسان تنها است، مدرن و قابل تامل است.

در نهایت با همه فرازو فرودهای نویسنندگی و کارمندی و روان‌پریشی،نویسنده است که تنها مانده است.

به اطرافم نگاه می‌کنم. هیچ‌کس نیست. در آینه روبه‌رو جز من کسی نیست.